



بحران بحرین: تعارض رویکردهای منطقه‌ای

علی اکبر اسدی^۱

محمد زارع^۲

تاریخ تصویب: ۱۳۹۰/۵/۲۹

تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۵/۱

چکیده

بحران بحرین به دلیل محدودیت قدرت بازیگران داخلی و اهمیت و منافع بازیگران خارجی در آن، جنبه و اهمیت منطقه‌ای بالایی پیدا کرده است. بازیگران منطقه‌ای مختلف با توجه به اهداف، منافع و ملاحظات خاص و متفاوت خود در قبال تحولات بحرین، رویکردهای متعارضی را در قبال این بحران اتخاذ کرده‌اند. شورای همکاری خلیج فارس به محوریت عربستان سعودی و جمهوری اسلامی ایران دو بازیگر منطقه‌ای اصلی تأثیرگذار در تحولات بحرین محسوب می‌شوند. که رویکردهای فعالانه اما متعارضی را در این خصوص دنبال می‌کنند. اما بازیگران دیگری مانند ترکیه و عراق به دلیل پیوندهای ژئوپلیتیکی و منفعتی کمتر با بحرین سعی کرده‌اند تا رویکرد متوازن‌تری را در خصوص بحران بحرین اتخاذ نمایند.

واژگان کلیدی: ایران، بحران بحرین، ترکیه، شورای همکاری خلیج فارس، عراق.

۱- دانشجوی دکتری روابط بین الملل دانشگاه علامه طباطبایی و پژوهشگر مسایل خاورمیانه (aasadi6@yahoo.com)

۲- کارشناس ارشد مطالعات منطقه‌ای دانشگاه علامه طباطبایی (mohammad.zare9@gmail.com)

مقدمه

خیزش مردمی در بحرین که پس از تحولات و انقلاب‌های تونس و مصر در ۱۴ فوریه ۲۰۱۱ آغاز شد و با سرکوب و رویکرد خشونت آمیز حکومت آل خلیفه مواجه شد، به ایجاد بحران سیاسی مهمی در این کشور منجر شده است. بحران بحرین به دلیل موقعیت خاص این کشور و منافع و ملاحظات بین المللی و منطقه ای عمده در قبال تحولات آن، باعث شکل گیری واکنش‌ها و رویکردهای مختلف به خصوص از سوی بازیگران منطقه ای شد. هرچند که بحرین از نظر وسعت جغرافیایی، میزان جمعیت و مؤلفه های اقتصادی در موقعیت ممتازی در سطح منطقه نیست و کشوری کوچک در خلیج فارس محسوب می‌شود، اما ویژگی‌های خاص و پیوند آن با منافع و سیاست بازیگران مهمی مانند آمریکا، عربستان سعودی و جمهوری اسلامی ایران، به تحولات و بحران این کشور اهمیت بالایی می‌دهد. حضور ناوگان پنجم دریایی امریکا در بحرین و پیوندهای سیاسی و امنیتی دوکشور، مجاورت جغرافیایی بحرین با عربستان سعودی و سایر کشورهای عربی عضو شورای همکاری خلیج فارس و روابط سیاسی، اقتصادی و امنیتی بحرین و عربستان سعودی و تعاملات خاندان‌های حاکم بر این دو کشور و همچنین اکثریت شیعی جمعیت بحرین و مجاورت جغرافیایی و پیوندهای تاریخی آن با جمهوری اسلامی ایران از جمله مشخصه های بحرین است که تحولات این کشور را مهم ساخته و باعث شده تا بازیگران مختلف با توجه به اهداف و منافع خود به اتخاذ رویکردهای متناسب در قبال این بحران بپردازند. هر چند اغلب تحولات منطقه ای جدید خاورمیانه در سال ۲۰۱۱ واجد اهمیت و ابعاد بین المللی و به خصوص منطقه ای هستند، اما با توجه به اینکه بازیگران داخلی بحران بحرین یعنی حکومت و گروه های اپوزیسیون از توان بازیگری و نقش آفرینی کمتری در مقایسه با سایر بحران‌های خاورمیانه و شمال آفریقا برخوردار هستند، سیاست‌ها و رویکردهای بازیگران تأثیرگذار بیرونی نقش برجسته تری در تعیین روند تحولات این کشور دارد. به عبارت دیگر حل و فصل بحران بحرین بیش از آنکه به نوع عملکرد حکومت و گروه های داخلی این کشور وابسته باشد، با نوع رویکردها و اقدامات بازیگرانی نظیر عربستان سعودی، آمریکا و جمهوری اسلامی ایران در پیوند قرار گرفته است. بر این اساس رویکرد بازیگران خارجی در قبال تحولات بحرین نسبت به سایر کشورهای دچار بحران از تأثیر گذاری و تعیین کنندگی به مراتب بالاتری بر روند و نتایج بحران است و از این رو شناخت رویکرد بازیگران بین المللی و منطقه ای در قبال بحران اهمیت گسترده تری

می‌یابد.

نوشتار حاضر در پی بررسی و تبیین رویکرد بازیگران منطقه ای در قبال تحولات بحرین است و در این راستا معتقد است که بازیگران منطقه ای با توجه به تفاوت اهداف و منافع در قبال بحرین و همچنین تفاوت سطوح پیوند سیاسی و امنیتی و همچنین مجاورت جغرافیایی و پیوند ژئوپلیتیک خود با این کشور، رویکردهای متفاوت و متعارضی در قبال بحران بحرین اتخاذ کرده‌اند. در حالی که کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس به رهبری عربستان سعودی و جمهوری اسلامی ایران به دلایلی مانند پیوندهای سیاسی-امنیتی و مجاورت جغرافیایی کشورهای جنوبی خلیج فارس و همچنین پیوندهای مذهبی-تاریخی و ژئوپلیتیک ایران، رویکرد فعالانه تر و در عین حال با تعارض بالایی را در قبال بحران بحرین اتخاذ کرده‌اند. بازیگران منطقه ای دیگر مانند ترکیه و عراق به دلایلی مانند درگیری کمتر اهداف و منافع خود در تحولات بحرین و دلایل دیگر، رویکرد ملایم‌تری را در این خصوص اتخاذ کرده‌اند. در این راستا در این نوشتار ضمن اشاره به روند و ویژگی‌های تحولات بحرین به تبیین رویکرد بازیگران منطقه ای در قبال این بحران با تمرکز بر کشورهای شورای همکاری خلیج فارس با محوریت عربستان سعودی، جمهوری اسلامی ایران و سپس ترکیه و عراق می‌پردازیم.

۱- روند و ویژگی‌های تحولات بحرین

خیزش مردمی در بحرین پس از وقوع تحولات تونس و مصر و سقوط مبارک در ۱۴ فوریه ۲۰۱۱ آغاز شد و تاکنون چهار مرحله مهم را سپری کرده است. مرحله نخست مرحله اعتراضات محدود اولیه بود که از ۱۴ فوریه ۲۰۱۱ به خصوص با حضور جوانان معترض آغاز شد و با سرکوب اولیه حکومت مواجه شد. مرحله دوم، مرحله گسترش و اوج‌گیری اعتراضات مردمی بود که از ۱۷ فوریه آغاز شد و تا ۱۴ مارس، حدود یک ماه تداوم یافت. مرحله سوم مرحله سرکوب گسترده اعتراضات از سوی حکومت بود که از ۱۴ مارس با ورود نیروهای نظامی سعودی و اماراتی به منامه آغاز شد و تا اول ژوئن یعنی زمان اعلام لغو وضعیت فوق العاده از سوی حکومت به طول انجامید. مرحله چهارم نیز که مرحله لغو وضعیت فوق العاده است از اول ژوئن آغاز شده است.

در مرحله نخست از ۱۴ فوریه ابتدا مردم و به خصوص جوانان بحرینی خواستار اصلاحات و کنار رفتن دولت شدند. در این مرحله هنوز تمام گروه‌های مردمی و گروه‌های

سیاسی عمده، به جریان اعتراضات وارد نشده بودند. اما با حمله نیروهای امنیتی به متحصنین در میدان لولو، رویکرد و درخواست‌های مخالفین وارد مرحله جدیدی شد. در مرحله اول با توجه به تعداد محدود معترضین و تجمع آن‌ها در میدان لولو، دولت بحرین تلاش کرد تا با سرکوب این معترضین مانع از تداوم و گسترش اعتراضات شود. اما خشونت نیروهای امنیتی در قبال معترضین نه تنها به پایان اعتراضات منجر نشد، بلکه گسترش اعتراضات و تشدید رویکرد مخالفین را نیز در پی داشت.

بعد از خشونت‌های میدان لولو، تظاهرات و اعتراضات مردمی گسترده‌تر شد و بخش عمده‌ای از مردم شیعی بحرین و گروه‌های سیاسی را در برگرفت و در واقع تحولات بحرین وارد دومین مرحله خود شد. در این مرحله خیابان‌ها و میادین بحرین در اختیار معترضین بود و اقدامات اعتراضی دیگری نیز در قبال حکومت صورت گرفت، از جمله اعضای تشکل «الوفاق» به عنوان اصلی‌ترین تشکل سیاسی شیعی از پارلمان بحرین استعفا کردند.

در این برهه گروه‌های مخالف با توجه به درخواست‌های خود شامل دو دسته بودند: دسته اول تحت رهبری الوفاق، خواستار ایجاد نظام مشروطه سلطنتی و حکومت منتخب شد، اما دسته دوم در قالب «هم پیمانی برای جمهوری» و متشکل از سه گروه جریان وفاداری اسلامی و جنبش‌های حق و آزادگان بحرین، گزینه سرنگونی نظام موجود در بحرین و ایجاد نظام جمهوری دموکراتیک را مطرح ساختند. البته درخواست‌های دیگری مانند آزادی زندانیان سیاسی، اصلاحات سیاسی و توقف اعطای تابعیت سیاسی به مهاجرین نیز از سوی مردم مطرح بود.

با گسترش اعتراضات، دولت بحرین سعی کرد تا با خشونت کمتر و از طریق روش‌های سیاسی و مسالمت‌آمیز، بحران را کنترل و مدیریت نماید. در این راستا چهار وزیر دولت شامل نخست وزیر، وزیر بهداشت، وزیر امور آب و برق و وزیر مسکن کنار گذاشته شدند. پادشاه بحرین به دلیل کشته شدن تعدادی از معترضین عزای عمومی اعلام کرد و ولیعهد را به عنوان نماینده تام‌الاختیار خود برای گفت‌وگو با مخالفین تعیین نمود. همچنین «سلیمان بن حمد آل خلیفه» اعلام کرد، از این پس خاندان سلطنتی قدرت بیشتری را در اختیار پارلمان قرار خواهد داد و برگزاری رفراندوم‌های عمومی نیز میسر خواهد بود. در این مرحله گروه‌های مختلف درخواست حکومت برای گفت‌وگو را با مطرح کردن پیش شرط‌هایی رد کردند. از جمله این پیش‌شرط‌ها، استعفای دولت، پایان حضور ارتش در

خیابان‌ها و پذیرش ایده سلطنت مشروطه بود (بی بی سی). البته گفتگوهای غیر آشکار و محدودی بین الوفاق و ولیعهد بحرین صورت گرفت، اما به رغم برخی پیشرفت‌ها، به دلیل بی‌اعتمادی مردم و گروه‌های انقلابی به آل خلیفه از یک سو و از سوی دیگر به دلیل مخالفت جناح افراطی حکومت به رهبری شیخ خلیفه نخست وزیر بحرین با هرگونه گفتگو و اصلاحات که با حمایت عربستان سعودی همراه بود و در نهایت ورود نیروهای سعودی به بحرین و سرکوب مخالفین، این گفتگوها به نتیجه ای نرسید.

در مرحله سوم که بعد از ورود معترضین به سایر مناطق پایتخت غیر از میدان لولو و سرکوب شدید مردم توسط نیروهای امنیتی بحرینی و خارجی آغاز شد، شرایطی سخت برای معترضین ایجاد شد و گروه‌های مخالف با فشارها و سرکوب شدیدی مواجه شدند. در این مرحله هرچند اعتراضات مردمی به صورتی محدودتر و پراکنده‌تر کماکان ادامه یافت، اما شرایط امنیتی مانع از پیشرفت تحولات به نفع معترضین شد. دعوت از نیروهای سایر کشورهای خلیج فارس به خصوص عربستان سعودی و امارات متحده عربی، سرکوب و خشونت شدید معترضین و اخراج آن‌ها از میدان لولو، اعلام وضعیت فوق‌العاده، زندانی ساختن برخی از رهبران و فعالین سیاسی، تخریب میدان لولو به عنوان نماد مخالفین، ربودن زخمی‌ها از بیمارستان‌ها، منتصب کردن اعتراضات مردمی به گروه‌ها و کشورهای خارجی و اقدامات سرکوب‌گرانه و خشونت‌آمیز دیگر مانند تخریب مساجد شیعی و اخراج کارمندان دولت، از جمله اقدامات دولت بحرین در این مرحله بود.

حکومت بحرین بعد از سرکوب گسترده مخالفین و استفاده از شیوه‌های خشونت‌آمیز در مقابل معترضین و به خصوص بازداشت و زندانی ساختن رهبران معترضین از اول ماه ژوئن لغو وضعیت فوق‌العاده را اعلام نمود و خواستار گفتگوی حکومت با گروه‌های مخالف از اول ژوئیه شد و تحولات این کشور بعد از سرکوب گسترده وارد مرحله چهارم خود شد. بعد از سرکوب‌های گسترده حکومت بحرین در جهت کاهش فشارهای بیرونی و در جهت ترمیم وجهه جهانی خود و کسب مشروعیت و همچنین با توجه به زندانی بودن بخش مهمی از رهبران و فعالان سیاسی مخالف، درصدد است تا با گفتگوها و اصلاحات صوری و نمایشی بحران در این کشور را تعدیل نماید و در این راستا «ملک حمد» رئیس پارلمان این کشور «الظهیرانی» را به عنوان نماینده حاکمیت برای مدیریت گفتگوها معرفی کرده است و مجوزهایی را برای برخی راهپیمایی‌های محدود و کنترل شده از سوی الوفاق صادر کرده است.

۲- رویکرد کشورهای شورای همکاری خلیج فارس

به نظر می‌رسد کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس با محوریت عربستان سعودی در میان کشورهای عربی منطقه بیشترین نگرانی و هراس را از خیزش‌های مردمی در جهان عرب دارند و بر این اساس بیشترین تلاش‌ها را برای مقابله با خیزش‌های مردمی و روند دموکراتیزه شدن منطقه به عمل می‌آورند. تا قبل از وقوع خیزش‌های مردمی در جهان عرب و چالش‌ها و دگرگونی در نظام‌های سیاسی، کشورهای شورای همکاری خلیج فارس به همراه کشورهایمانند مصر دوره مبارک، محورسیاسی مهمی موسوم به محور اعتدال یا محافظه کاری عربی را تشکیل می‌دادند. این دسته از دولت‌ها تحت حمایت آمریکا و با تقویت پیوندهای خود با این قدرت فرامنطقه‌ای در خاورمیانه در مقابل محور مقاومت متشکل از کشورهایمانند جمهوری اسلامی ایران و سوریه و بازیگران غیردولتی و گروه‌های مقاومت بودند. این کشورها در واقع خواستار حفظ وضع دولت‌های موجود، نماد دولت‌های اقتدارگرای سنتی دارای روابط قوی با آمریکا و متمایل به همکاری و مصالحه با رژیم اسرائیل بودند. اما خیزش‌های جهان عرب باعث ایجاد گسست‌ها و چالش‌هایی جدی در این محور یا ائتلاف ضمنی منطقه‌ای شد.

در خصوص رویکرد و رفتارهای شورای همکاری خلیج فارس در قبال تحولات بحرین یکی از مسایل مهم محوریت عربستان سعودی در اتخاذ رویکردها و سیاست‌های شورا و تسلط دیدگاه‌های مقامات سعودی است. عربستان سعودی از ابتدای تشکیل شورای همکاری خلیج فارس خود را به عنوان برادر بزرگ‌تر مطرح کرده و سعی نموده تا نقش محوری و کانونی را در این شورا داشته باشد. عربستان سعودی از نظر وسعت جغرافیایی، منابع و قدرت اقتصادی و جایگاه و توانمندی نظامی از موقعیت برتری در مقایسه با پنج کشور کوچک دیگر برخوردار است، و این تفاوت سطح قدرت این امکان را به سعودی‌ها می‌دهد تا در شورای همکاری، نقش رهبری را ایفا نمایند. مستقر بودن دبیرخانه شورای همکاری خلیج فارس در ریاض نیز به بستری برای تأثیر گذاری و نفوذ بیشتر عربستان سعودی بر این شورا منجر شده است. در دوره‌های بحرانی و گسترش تهدیدهای مشترک بیرونی نقش برتر و مسلط سعودی‌ها در شورای همکاری خلیج فارس بیشتر مشخص می‌شود و دیگر کشورها نیز این نقش را بیشتر می‌پذیرند. اما در دوره‌ها و مسایل عادی شکاف و اختلاف نظر بین کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس تا حد زیادی

آشکار است. به خصوص کشورهایی مانند قطر و کویت سعی در حفظ فاصله خود از عربستان سعودی دارند و از تسلط و فشارهای سعودی‌ها نگران هستند.

در رویکرد اعضای شورای همکاری خلیج فارس در قبال خیزش مردمی بحرین به رغم اجماع کلی و اولیه مبنی بر حمایت از رژیم آل خلیفه و مقابله با قیام مردمی و عملکرد رادیکال این شورا با اعزام نیرو به بحرین که تا حدی از تسلط عربستان سعودی درون شورا ناشی می‌شود، می‌توان به اختلاف نظرهای برخی کشورهای عضو با دیدگاه سعودی‌ها نیز اشاره کرد. قطر، کویت و عمان سه کشوری هستند که بیشتر با عربستان سعودی اختلاف نظر دارند و در خیزش مردمی بحرین نیز این گونه اختلاف نظر با سعودی‌ها تاحدی قابل مشاهده است. به خصوص قطر و کویت نگران آن هستند که اعزام نیرو به کشورهای عضو شورای همکاری از سوی مقامات سعودی، به یک هنجار و قاعده تبدیل شود و در خصوص کشور خود آن‌ها نیز کاربرد پیدا کند؛ که در نتیجه مشروعیت بخشیدن به مداخلات سعودی‌ها را باعث خواهد شد و بر این اساس است که این کشورها نیرویی به بحرین اعزام نکردند. در تحولات اخیر بحرین مقامات سعودی سعی کردند رهبران کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس را قانع کنند که تغییر رژیم در بحرین تأثیری جدی و شدید بر امنیت و بقای سایر کشورهای عضو شورا دارد و در نتیجه رویکردی سخت و سرکوبگرانه مورد نیاز است. سایر کشورهای عضو از یک سو از تشدید بحران بحرین نگرانی جدی و واقعی دارند و از سوی دیگر در شرایط موجود توانایی مخالفت صریح و جدی با دیدگاه‌های سعودی‌ها را ندارند. به عنوان مثال در مورد کویت، عربستان سعودی در مقاطعی مانند حمله رژیم صدام و اشغال این کشور در سال ۱۹۹۰ با پناه دادن « خاندان آل صباح » و کمک به آزادسازی این کشور، نقش مهمی در تداوم حیات حکومت آل صباح داشته است و عربستان با این پیشینه در امور داخلی کویت نفوذ فزاینده‌ای دارد. بر این اساس حکومت کویت درون شورای همکاری توان چندانی برای اتخاذ مواضع متفاوت با سعودی‌ها ندارد. اما نمایندگان پارلمان کویت و جامعه شیعی این کشور به عنوان مانعی داخلی و نهادی برای همکاری کامل کویت با عربستان سعودی در عرصه عمل محسوب می‌شوند (عبدالحسین سلطان، ۱۳۹۰).

در تبیین چگونگی و نوع عملکرد عربستان سعودی در قبال خیزش مردمی بحرین در چارچوب شورای همکاری خلیج فارس، انگیزه‌ها و عوامل چندگانه‌ای را می‌توان مورد تأکید قرار داد. عربستان سعودی بحرین را به نوعی حیات خلوت و منطقه نفوذ خود تعریف می‌کند و بر این اساس خواستار حفظ حاکمیت آل خلیفه در این کشور است و

هیچ گونه تغییر و تحولات اساسی در آن را نمی‌پذیرد. سعودی‌ها به خصوص با جناح رادیکال حکومت آل خلیفه پیوند و روابط گسترده‌ای دارند و به ویژه با گسست و پایان یافتن نخست وزیری شیخ خلیفه به شدت مخالفند و حتی پادشاه بحرین را تهدید کرده‌اند که هرگونه اقدام برای کنارگذاشتن شیخ خلیفه در نتیجه تحولات و اعتراضات اخیر، باعث اشغال بحرین از سوی آل سعود خواهد شد (بی اف نیوز، ۱۳۹۰). سعودی‌ها همچنین از نظر اقتصادی از دولت بحرین حمایت می‌کنند و علاوه بر صدور انرژی به این کشور، گردشگران سعودی سهم مهمی از درآمدهای نفتی را به خود اختصاص می‌دهند. مسأله مهم دیگر اینکه سعودی‌ها اصلی‌ترین نقش را در تأمین امنیت رژیم آل خلیفه دارند و در مواردی مانند اعتراضات و بحران‌های داخلی از این رژیم حمایت کرده‌اند. این مسایل باعث تسلط سعودی‌ها بر بحرین و تصور آن به عنوان منطقه نفوذ خود شده است که واکنش رادیکال و نظامی عربستان سعودی در قبال خیزش مردمی بحرین را در پی داشت.

عامل دوم تأثیرگذار در رفتار عربستان سعودی در قبال تحولات بحرین، ساختار سیاسی اقتدارگرا و سنتی این کشور و همچنین حضور اقلیت شیعی در منطقه شرقی این کشور است که آن را در مقابل تحولات و خیزش‌های مردمی جهان عرب و به ویژه اعتراضات بحرین بسیار آسیب پذیر می‌سازد. مشروعیت خاندان‌های حاکم در کشورهای خلیج فارس در صده گذشته بیشتر براساس اقتدار قبیله‌ای توأم با مشروعیت اسلامی بوده است. در عربستان سعودی به عنوان بزرگ‌ترین کشور عضو شورای همکاری، دولت سعی داشته است که با تعبیر و تفسیر حوادث و خاطرات گذشته ضمن کسب مشروعیت سیاسی، این تصور را نهادینه کند که حکومت حق تاریخی و طبیعی سعودی‌هاست. عربستان سعودی در چارچوب الگوی دولت رانتیر در پی افزایش امنیت اقتصادی و سیاسی خود با استفاده از درآمدهای نفتی بوده است و ایدئولوژی وهابیت را نیز به عنوان مبنای مشروعیت رژیم سیاسی خود قرار داده است (لی نور جی، ۱۳۸۳: ۷۸-۷۹). خاندان حاکم در عربستان سعودی کوشیده است تا مفهوم خاصی از شهروندی را در این کشور ایجاد نماید و در حال تقویت نسخه مورد نظر خود از مفهوم شهروندی است و بیشتر آن را به حوزه اجتماعی و اقتصادی مرتبط ساخته و از ابعاد سیاسی آن دوری می‌جوید. در واقع در تعریف رسمی دولت سعودی از شهروندی، ویژگی‌ها و عناصر سیاسی شهروندی جایگاه چندانی ندارد (okrunlik, 2005: 153-168).

عامل سومی که باعث برخورد تند و رفتار تهاجمی سعودی‌ها در قبال خیزش مردمی بحرین شده است، نگاه سعودی‌ها به این مسأله از دیدگاه توازن قدرت منطقه‌ای در سطح

خاورمیانه است. از منظر سعودی‌ها تحولات منطقه ای یک دهه اخیر در سطح خاورمیانه بعد از یازده سپتامبر، باعث برهم خوردن توازن قدرت منطقه ای به زیان این کشور شده است. حمله آمریکا به عراق و سقوط نظام بعثی که به شکل گیری نظام سیاسی دموکراتیک به مشارکت همه گروه های قومی - فرقه ای در ساختار قدرت انجامیده و تغییر و تحولات حوزه لبنان و فلسطین که به برتری گروه های مقاومت و در مجموع محور مقاومت در سطح منطقه منجر شده است، از مهم ترین تحولاتی هستند که از دیدگاه سعودی‌ها نزول جایگاه آنان در ساختار قدرت منطقه ای را باعث شده است. تحولات و انقلاب های اخیر جهان عرب و به خصوص خارج شدن مصر از محور موسوم به اعتدال عربی نیز، باعث آسیب پذیری بیشتر در سطح منطقه شد و بر این اساس سعودی هرگونه تغییر رژیم در بحرین را به عنوان یک خط قرمز باعث تضعیف بسیار شدیدتر موقعیت منطقه ای خود می‌داند. به خصوص اینکه به تصور مقامات سعودی هرگونه مشارکت شیعیان در ساختار قدرت در بحرین افزایش نفوذ ایران در این کشور و به تبع آن در سطح منطقه را در پی خواهد داشت. چهارمین عاملی که به رویکرد تهاجمی عربستان سعودی و اقدام نظامی آن در بحرین کمک کرد، افزایش بی اعتمادی آل سعود به رهبران ایالات متحده آمریکا به عنوان متحد استراتژیک این کشور در طول دهه های گذشته است. بی اعتمادی به واشنگتن و نگرانی سعودی‌ها از سیاست های آمریکا، از زمان بعد از یازده سپتامبر و اعمال فشارهای آمریکا بر کشورهای منطقه به منظور انجام برخی اصلاحات آغاز شد و در طول زمان حمله آمریکا به عراق نیز انتقادات سعودی‌ها از عملکرد آمریکا آشکار بود. این بی اعتمادی سعودی‌ها بعد از تحولات اخیر منطقه و به خصوص عدم حمایت آمریکا از رژیم مبارک بسیار افزایش یافت. به خصوص این گفته باراک اوباما رئیس جمهور آمریکا در خصوص تحولات مصر که: « واشنگتن در بخش صحیح تاریخ می‌ایستد»، نگرانی جدی در سعودی‌ها در مورد میزان الزام آمریکا به حفظ بقای آن‌ها به وجود آورد (دیپلماسی ایرانی، الف، ۱۳۹۰). از این رو بود که آل سعود فارغ از دیدگاه های آمریکا در خصوص تحولات بحرین وارد عمل شد و سیاست‌ها و اقدامات مورد نظر خود را به صورتی قاطعانه به پیش برد.

۳- رویکرد جمهوری اسلامی ایران

در میان بحران‌ها و تحولات مختلف جهان عرب در سال ۲۰۱۱، تحولات بحرین به دلایل مختلف از اهمیت خاص و بالایی برای جمهوری اسلامی ایران برخوردار است.

بحرین از نظر ژئوپلیتیکی جایگاه خاصی از منظر جمهوری اسلامی ایران دارد و جزء همسایگان و دارای مرز آبی با ایران است. نکته دیگر این که بحرین در قرون گذشته جزئی از سرزمین ایران و تحت حاکمیت حکام ایرانی بوده است، بخشی از جمعیت آن را ایرانی‌ها تشکیل می‌دهند و پیوندهای تاریخی مستحکمی بین بحرین و ایران وجود دارد. مسأله مهم و تأثیرگذار دیگر در خصوص نوع رویکرد ایران در قبال تحولات بحرین، پیوند مذهبی جمهوری اسلامی ایران با شیعیان بحرین است که اکثریت جمعیت این کشور را تشکیل می‌دهند. منافع و سیاست منطقه‌ای ایران در حوزه خلیج فارس و رقابت‌های آن با عربستان سعودی نیز مؤلفه‌ای مهم در رویکرد کشور است و به خصوص تهران تحول دموکراتیک در منامه را باعث شکل‌گیری نوعی از نظام سیاسی در بحرین قلمداد می‌کند؛ که می‌تواند روابط مناسب‌تری را با آن ایجاد نماید. این عوامل باعث شده است تا ایران نگاه حساس‌تری به تحولات بحرین داشته باشد و رویکرد فعالانه‌ای در این خصوص اتخاذ نماید.

ایران در خصوص تحولات اغلب کشورهای عربی سعی کرده است تا از خیزش‌ها و حقوق سیاسی شهروندان در مقابل حکومت‌ها دفاع نماید و در مورد بحرین نیز جمهوری اسلامی ایران بر توجه حکومت به خواسته‌ها و مطالبات مردمی و لزوم خودداری آل خلیفه از اتخاذ رویکردی خشونت‌آمیز در قبال معترضین تأکید نموده است. با وجود اینکه آل خلیفه و عربستان سعودی سعی کرده‌اند تا مطالبات مخالفین در بحرین را فرقه‌ای مطرح نموده و همچنین ایران را به دخالت در تحولات بحرین و سایر کشورهای خلیج فارس متهم سازند، اما جمهوری اسلامی ایران با رد این اتهامات و مردمی دانستن اعتراضات بحرین در قبال رویکرد سرکوبگرانه حکومت آل خلیفه و ورود نیروهای سعودی به بحرین به شدت اعتراض نموده است.

ایران در طول بحران بحرین سعی کرد از ابزارها و شیوه‌های مختلف برای حمایت از گروه‌های مخالف و توقف رویکرد سرکوب حکومت و حضور نیروهای سعودی و اماراتی استفاده نماید. به کارگیری ابزارهای تبلیغاتی و رسانه‌ای در جهت محکوم کردن آل خلیفه و به نمایش گذاشتن اعتراضات مردمی، برگزاری راه‌پیمایی‌ها و تجمعات در اعتراض به اقدامات آل خلیفه و آل سعود و اقدامات نمادین اعتراضی در ایران و حتی سایر کشورهای منطقه، اقدامات سیاسی و دیپلماتیک مانند نوشتن نامه به دبیر کل سازمان ملل و رایزنی با مجامع بین‌المللی مانند سازمان کنفرانس اسلامی، در این خصوص قابل اشاره است.

اما از پیامدهای تحولات بحرین می‌توان به شکل‌گیری تنش‌های سیاسی بین ایران و کشورهای شورای همکاری خلیج فارس و تنزل روابط، تصمیم شورای همکاری به محدودسازی روابط سیاسی و اقتصادی و حضور شهروندان ایرانی در کشورهای عضو و تلاش این کشورها به خصوص بحرین و عربستان سعودی برای فرقه‌ای نشان دادن اعتراضات بحرین و مطرح ساختن مداخلات ایران در کشورهای جنوبی خلیج فارس بوده است. هر چند سه کشور قطر، کویت و عمان در مقایسه با بحرین، عربستان سعودی و امارات عربی متحده رویکرد معتدل‌تری در خصوص ایران داشتند و برخی رایزنی‌های دیپلماتیک نیز در این خصوص مؤثر بود، اما در مجموع این تحولات باعث شد تا تنش و تقابل در روابط ایران و کشورهای عضو شورای همکاری به سطح بالایی برسد.

۴- رویکرد ترکیه

ترکیه از جمله کشورهای خاورمیانه‌ای است که در یک دهه اخیر توانسته است به بازیگر مهمی در معادلات منطقه‌ای تبدیل شود. این کشور در پرتو سیاست‌های حزب عدالت و توسعه توانسته است در عرصه داخلی در ابعاد سیاسی و اقتصادی به پیشرفت‌های مهمی دست یابد و در عرصه سیاست خارجی نیز به موفقیت‌های قابل توجهی دست یابد، و به خصوص با عملکرد مناسب در خصوص مسایلی مانند محاصره غزه بر محبوبیت ترکیه در جهان عرب بیافزاید. این کشور در جریان خیزش‌های مردمی جهان عرب و تحولات ۲۰۱۱ نیز تلاش کرده است تا نقش فعالانه‌ای ایفا کند و به حفظ منافع و تقویت نقش منطقه‌ای خود بپردازد. در این راستا ترکیه با توجه به منافع و روابط خاص خود در هر یک از کشورهای دچار تحول به گونه‌ای خاص رفتار کرده است.

ترکیه همانند اغلب کشورها برای موضع‌گیری و اقدام در خصوص خیزش‌های مردمی منطقه از آمادگی کافی برخوردار نبود. به خصوص اینکه سیاست «فقدان مشکل»^۱ یا مشکل صفر ترکیه با همسایگان منطقه‌ای سیاستی معطوف به دولت‌ها بود و با مردم و ملت‌های منطقه ارتباطی نداشت. ترکیه با آغاز خیزش‌های مردمی در تونس و مصر در ابتدا سکوت را ترجیح داد، اما با مشاهده روند سقوط مبارک، اردوغان از مخالفین و خواسته‌های دموکراتیک آن‌ها حمایت کرد. اما جنگ داخلی در لیبی بحرانی جدی برای ترکیه بود، چراکه منافع تجاری و سرمایه‌گذاری‌های اقتصادی ترکیه در لیبی مانع از حمایت از

مخالفین و یا تغییر رژیم در لیبی با توجه به مشخص نبودن نظام سیاسی جایگزین شد. با این حال به رغم مخالفت‌های اولیه ترکیه با مداخله نظامی در لیبی، سرانجام این کشور مجبور شد تا با کشورهای غربی در لیبی متحد زیادی همراه شود و طرحی را برای میانجیگری و حل بحران ارایه دهد (barkey, 2011). تحولات سوریه نیز به معضلی جدی برای سیاست خارجی ترکیه در سطح منطقه ای تبدیل شده است. ترکیه دولت بشار اسد را به انجام اصلاحات تشویق نموده و از رویکرد آن در قبال معترضین انتقاد نموده است با این حال به نظر نمی‌رسد ترکیه خواستار حذف دولت بشار اسد باشد (barkey, 2011).

در مورد بحرین ترکیه سعی کرده است تا رویکرد متوازنی را اتخاذ نماید و هیچگاه خود را کاملاً در کنار یک جبهه قرار ندهد. با این حال این رویکرد متوازن ترکیه در راستای منافع استراتژیک آن در سطح منطقه ای طراحی شده است. ترکیه همانند عربستان سعودی و جمهوری اسلامی ایران، منافع فوری امنیتی در خصوص تحولات بحرین ندارد و بنابراین نیازمند اتخاذ رویکرد یک جانبه و کاملاً واضحی در قبال این تحولات نیست. با این حال مقامات آنکارا سعی کرده‌اند نوعی از مواضع را اتخاذ نمایند، تا ضمن حفظ منافع آنها در منطقه بر روابط این کشور با طیف متنوعی از بازیگران بحران بحرین تأثیرگذاری منفی نداشته باشد. ترکیه در طول یک دهه اخیر تلاش کرده است با بیرون ماندن از فضای دو قطبی منطقه ای که در یک سوی آن کشورهایمانند جمهوری اسلامی ایران و سوریه قرار داشته و در طرف دیگر کشورهای محافظه کار عربی قرار داشته‌اند، در جهت پیشبرد اهداف و منافع خود روابط خوبی با هر دو طرف برقرار کند. بر این اساس در مورد تحولات بحرین نیز مقامات ترک حفظ همزمان روابط و تعاملات با دو طرف به خصوص جمهوری اسلامی ایران از یک سو و کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس از سوی دیگر را داشته‌اند. ترکیه در جریان بحران بحرین سعی کرده است رویکرد دیپلماتیک فعالانه داشته باشد و رایزنی‌ها و گفتگوهای با دوطرف یعنی ایران و شورای همکاری خلیج فارس داشته است. ترکیه بر لزوم گفتگو و اصلاحات در سطح منطقه و از جمله در خصوص بحرین تأکید داشته است و معتقد است که دولت‌های خاورمیانه باید به درخواست‌های مردم خود برای دموکراسی و اصلاحات توجه کنند و مردم نیز در طرح درخواست‌های خود به خشونت متوسل نشوند، بلکه گروه‌های اپوزیسیون با ابتکارات مناسب برای گفتگو و اصلاحات اقدام کنند (today zaman, 2001a). ترکیه در خصوص تحولات منطقه ای و از جمله بحرین با دگرگونی‌های فوری و اساسی که منجر به تنش و منازعه در سطح منطقه می‌شود چندان

موافق نیست و اصلاح تدریجی وضع موجود منطقه ای و نظام‌های سیاسی غیردموکراتیک را به صورت مرحله ای و در روندی تدریجی و با هزینه های اندک ترجیح می‌دهد.

ترکیه در سطح منطقه ای روابط مناسبی را با جمهوری اسلامی ایران در طول چند سال گذشته ایجاد کرده است و روابط این کشور با عراق نیز به سمت روابطی استراتژیک سوق پیدا کرده است. بر این اساس هر گونه رویکرد یک جانبه ترک‌ها در خصوص بحران بحرین که در مقابل معترضین و در همراهی کامل با آل خلیفه باشد، به روابط این کشور با ایران و تا حدی عراق آسیب وارد می‌کند. بر این اساس مقامات ترک به هرگونه تشدید تنش‌های فرقه ای در سطح منطقه در نتیجه تحولات بحرین هشدار داده‌اند و وزیر امور خارجه ترکیه خواستار آن شده است که حضور نیروهای شورای همکاری در بحرین موقتی باشد و هر گونه تحول سیاسی در این کشور بدون مداخله خارجی صورت گیرد (today zaman, 2001b).

به اعتقاد ترک‌ها اعزام نیرو به بحرین می‌تواند خشونت‌های شیعی - سنی در منطقه را شعله ور سازد و در همین راستاست که اردوغان نخست وزیر ترکیه عنوان کرد که: « ترکیه کربلای جدیدی نمی‌خواهد» (today zaman, 2001a).

هر چند برخی موضع گیری‌های مقامات ترکیه و تأکید بر لزوم مصالحه با معترضین باعث برخی رنجش‌ها در میان مقامات حکومت بحرین شده است، با این حال در مجموع اعضای شورای همکاری خلیج فارس از رویکرد ترکیه در خصوص تحولات بحرین رضایت دارند و شیخ خالد وزیر امور خارجه بحرین با سفر به آنکار از مواضع ترکیه قدردانی نمود (today zaman, 2001b). رئیس مجلس نمایندگان بحرین «خلیفه الظهرانی» نیز در سفر به ترکیه و در دیدار با رییس مجلس ملی کبیر ترکیه ضمن تشکر از مواضع ترکیه، تأکید کرد که در سایه نقش ترکیه اوضاع در این کشور آرام‌تر شده است. این مواضع آل خلیفه و تلاش ترکیه برای حفظ تعاملات سیاسی با مقامات کشورهای شورای همکاری خلیج فارس، حاکی از آن است که این کشور به رغم اتخاذ رویکرد کلی متوازن و تأکید بر اصلاحات و گفتگو و پرهیز از ایجاد تنش در روابط با جمهوری اسلامی ایران، به حفظ روابط گذشته خود با کشورهای عربی خلیج فارس نیز اهمیت ویژه ای می‌دهد و نمی‌خواهد تحولات داخلی بحرین باعث تحت الشعاع قرار گرفتن این روابط شود.

ترکیه و کشورهای شورای همکاری خلیج فارس در طول چند سال گذشته سعی کرده‌اند تا همکاری‌های استراتژیکی را پی ریزی نمایند. وزیر امور خارجه ترکیه در سال ۲۰۰۸ در جده با رییس قطری شورای وزیران شورای همکاری خلیج فارس یادداشت تفاهمی

را برای همکاری‌های استراتژیک بین دو طرف امضا کرد و ترکیه به عنوان نخستین شریک استراتژیک شورای همکاری در خارج از خلیج فارس قلمداد شد (al hakeem, 2008). ترکیه با توجه به نیازمندی به منابع انرژی خلیج فارس از یک سو و سرمایه‌ها و منافع تجاری کشورهای عربی خلیج فارس از سوی دیگر، تلاش‌های گسترده‌ای را برای ارتقای روابط سیاسی و اقتصادی با این کشورها به انجام رسانده است و سعی دارد در شرایط جدید منطقه‌ای نیز روابط استراتژیکی با شورای همکاری خلیج فارس داشته باشد. بر این اساس این کشور در پی اتخاذ رویکردی در قبال تحولات بحرین است که به روابط و منافع استراتژیک آنکارا در خلیج فارس لطمه نزند.

ترکیه سعی می‌کند در جهت حفظ منافع استراتژیک خود در خلیج فارس همراهی خود با کشورهای شورای همکاری خلیج فارس در تحولات بحرین را به رغم برخی انتقادات حفظ نماید. بر این اساس است که نخست وزیر ترکیه عنوان نمود که مداخله شورای همکاری خلیج فارس در بحرین را نمی‌توان به عنوان دخالت خارجی قلمداد کرد، چرا که نیروهای سپر جزیره به عنوان نیرویی منطقه‌ای است که به صورت بین‌المللی به رسمیت شناخته شده است. وی اضافه کرد که ترکیه در موردیگران دخالت نخواهد کرد اما به انتقادات دوستانه و سازنده خود ادامه خواهد داد (politact, 2011). در همین راستا «ارشاد هورموزلو» مشاور «عبدالله گل» رئیس‌جمهور ترکیه، در گفت‌وگوی خود با شبکه العربیه در تشریح موضع آنکارا درباره مسئله بحرین گفت: «ترکیه با کشورهای شورای همکاری خلیج فارس توافقی همکاری استراتژیک دارد و در تلاشیم تا تجارت آزاد با این کشورها را راه اندازی کنیم و ما در این موقعیت در کنار شورای همکاری هستیم.» وی در ادامه اظهاراتش در تشریح مواضع مقامات ترکیه‌ای در قبال تحولات منطقه گفت: «مسئله بحرین یک بحث دیگر نیز دارد و آن این است که ما در منطقه‌ای هستیم که کشورها دارای حق حاکمیت هستند و ما با آنها همکاری داریم و هرگونه دخالت در این کشورها ما را آزار می‌دهد» (خبرآنلاین، ۱۳۹۰).

در مجموع ترکیه با توجه به تعقیب منافع تجاری و اقتصادی در روابط خود با دولت‌های شورای همکاری خلیج فارس، خواستار تغییر وضع موجود منطقه‌ای به صورت ناگهانی و به چالش کشیده شدن روابط استراتژیک خود با این دولت‌ها با حمایت جدی از مخالفان بحرینی نیست. با این حال انتقادات نرم و ملایم ترکیه به رویکردهای خشونت آمیز در قبال مخالفین تداوم دارد. چرا که ترکیه نیازمند حمایت قوی از رژیم آل خلیفه نیست و این امر وجهه دموکراتیک منطقه‌ای و بین‌المللی ترکیه و روابط آن با جمهوری اسلامی

ایران را با مخاطراتی مواجه می‌کند. بر این اساس است که رویکرد کلی ترکیه در خصوص تحولات بحرین را می‌توان رویکردی متوازن با تمایل به حفظ وضع موجود با شیوه‌های مسالمت آمیز تلقی کرد.

۵- رویکرد عراق

عراق در طول دهه‌های گذشته در کنار ایران و عربستان سعودی جزء سه بازیگر اصلی و تأثیرگذار منطقه خلیج فارس بوده است و در بسیاری از تحولات منطقه ای نقش آفرینی داشته است. اما این کشور در نتیجه سیاست‌های تهاجمی و غیرمعمول رژیم صدام و متحمل شدن هزینه‌های بسیار بر اثر چندین جنگ و فشارها و تحریم‌های بین‌المللی، از دهه ۱۹۹۰ بسیار ضعیف شد. حمله آمریکا به عراق و اشغال این کشور در سال ۲۰۰۳ و ناامنی‌ها و بی‌ثباتی‌های بعدی نیز باعث شد تا این کشور نتواند قدرت گذشته خود را بازسازی نماید. بر این اساس در شرایط موجود عراق بیش از آنکه بتواند در تحولات منطقه ای جهان عرب تأثیر گذار باشد هنوز با معضلات و چالش‌های جدی داخلی روبروست و از توانمندی و انسجام داخلی کافی برای نقش آفرینی منطقه ای از جمله در تحولات بحرین برخوردار نیست.

با توجه به اینکه دولت کنونی عراق به نخست وزیر نوری مالکی اکثریت شیعی عراق را نیز نمایندگی می‌کند، بر خلاف اغلب کشورهای عربی رویکردی انتقادی در قبال رفتارهای سرکوبگرانه و خشونت آمیز آل خلیفه در قبال معترضین اتخاذ نموده است و اغلب مقامات حکومتی از جمله مالکی خواستار پایان دادن به سرکوب مردم بحرین شده‌اند. اما اعتراضات و انتقادات در مورد شرایط بحرین و رویکردهای آل خلیفه و عربستان سعودی در این خصوص در میان گروه‌های مردمی و نمایندگان پارلمان عراق بسیار شدیدتر بوده است. از آنجایی که دولت عراق از یک سو با چالش‌های داخلی مهمی روبروست و از سوی دیگر محدودیت‌ها و ملاحظات خاص خود را در قبال اتخاذ مواضع سرسختانه در قبال تحولات بحرین دارد، مردم و شخصیت‌های شیعی و نمایندگان پارلمان می‌توانند با آزادی عمل و جدیت بیشتری از مخالفین بحرینی حمایت کنند.

البته واکنش‌های جامعه و سیاستمداران عراقی در خصوص بحرین با توجه به شکاف‌های قومی و مذهبی درونی عراق و به خصوص تعارض دیدگاه‌ها و منافع بین شیعیان و سنی‌ها، متفاوت نیز بوده است. هرچند عربستان سعودی و دیگر کشورهای عرب حوزه خلیج فارس

به شدت برای برقراری ثبات در بحرین و روی کار باقی ماندن حکومت سنی این کشور تلاش می‌کنند، اعضای مجلس عراق به موازات ورود نیروهای سعودی به بحرین، اظهارات تندى را علیه مواضع ریاض به زبان آوردند. سیاستمداران اکثریت شیعی عراق از جمله «ابراهیم جعفری»، نخست وزیر سابق، این اقدام عربستان را به باد انتقاد گرفت و شماری از اعضای سنی، کرد و مسیحی مجلس عراق نیز مداخله ریاض در امور بحرین را محکوم کردند. اما «عثامه نجیفی»، رییس مجلس عراق که از اهل تسنن عراق است، پیشنهاد تعطیلی ده روزه مجلس را مطرح کرد. در این بین «ایاد علاوی» و برخی سیاستمداران دیگر می‌کوشند تا از بروز اختلاف و دو دستگی در مجلس بر سر اوضاع بحرین، جلوگیری کنند. این در حالی است که «حیدر ملا» یکی از نمایندگان سنی مجلس عراق مدعی دخالت ایران در امور داخلی بحرین با هدف دامن زدن به ناآرمی‌ها شده و ادعا کرده است که سفارت ایران در عراق باید تعطیل شود. «نوری المالکی» نیز بر این باور است که اقدام عربستان سعودی در بحرین می‌تواند جنگی منطقه‌ای را به دنبال داشته باشد (دیپلماسی ایرانی، ۱۳۹۰ ب).

«مقتدی صدر» رهبر جنبش صدر عراق، از سیاستمداران شیعی فعال در خصوص بحرین است و اعضای حزب سیاسی وی پیشنهاد بسته شدن سفارت بحرین در عراق را مطرح کرده‌اند. مقتدی صدر فعالیت‌های خود در خصوص بحرین را به خارج از عراق نیز توسعه داد و از جمله در اقدامی داوطلبانه به قطر سفر کرد تا پرونده کشتار شیعیان بحرین و سرکوب انقلابیون این کشور توسط نیروهای رژیم آل خلیفه که از سوی نیروهای اشغالگر آل سعود حمایت و پشتیبانی می‌شوند را پیگیری کند، تا شاید بتواند برای حل بحران جاری در بحرین راهکاری مناسب و رضایت بخش بیابد. وی در سفر خود به دوحه پایتخت قطر علاوه بر اینکه با مقامات ارشد قطری از جمله پادشاه این کشور دیدار و گفتگو کرد، با مسئولان و دست اندرکاران شبکه خبری الجزیره دیدار و از آنان خواست تا اخبار انقلاب بحرین را نیز مانند دیگر کشورهای عربی پوشش دهند (شیعه آنلاین، ۱۳۹۰).

با وجود واکنش‌ها و اقدامات اعتراضی مناسب مردم و سیاستمداران شیعی عراق در خصوص تحولات بحرین، همان گونه که عنوان شد دولت عراق رویکرد منسجم و قاطعانه‌ای در این خصوص اتخاذ نکرد. از جمله ملاحظات دولت عراق در عدم اتخاذ موضعی یکپارچه و قاطعانه، گذشته از شرایط و چالش‌های داخلی، شرایط منطقه‌ای خاص و محدودیت‌های آن در این عرصه مهم محسوب می‌شود. دولت عراق در دوره پس از صدام با رویکرد مثبت و حمایت دولت‌های عربی منطقه مواجه نبوده است و این مسأله

بیانگر محدودیت‌های منطقه ای دولت شیعی عراق است. نوری مالکی به خصوص در دوره اخیر نخست وزیری خود که دولتی ائتلافی با مشارکت سنی‌ها و کردها را مدیریت می‌کند، تلاش نموده است تا روابط عراق با کشورهای عربی را بهبود بخشد، با این حال هنوز روابط عربی عراق به دوره ای از ثبات و بهبود نرسیده است. با توجه به این شرایط هرگونه موضع گیری سرسختانه دولت عراق در خصوص تحولات بحرین و حمایت از مخالفان، تشدید چالش‌های عراق در جهان عرب را باعث می‌شود. به عنوان نمونه معاون دبیرکل اتحادیه عرب فاش کرد که علت درخواست شورای همکاری خلیج فارس برای لغو اجلاس سران عرب در بغداد، حمایت این کشور از مردم بحرین در برابر رژیم آل‌خلیفه بوده است. همچنین بحرین پروازهای هوایی خود به عراق را نیز همانند دو کشور ایران و لبنان قطع کرد. اما علاوه بر واکنش‌ها و محدودیت‌های عربی برای عراق، فشارهای آمریکا بر مقامات عراقی نیز می‌تواند عامل مهمی برای عدم موضع گیری قاطعانه مقامات عراقی در قبال حکومت آل‌خلیفه باشد.

نتیجه گیری

خیزش مردمی و تحولات بحرین که از اواسط ماه فوریه و بعد از قیام‌های مردمی در تونس و مصر آغاز شد، از دگرگونی‌های مهم در حوزه خلیج فارس است که از نظر منطقه ای اهمیت بالایی دارد. بازیگران منطقه ای مختلف دارای ملاحظات، اهداف و منافع خاص خود در بحرین هستند و این مسأله رویکردهای خاص و متفاوت هریک از بازیگران در قبال این تحولات را نیز باعث شده است. در این خصوص برخی بازیگران مانند کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس با محوریت عربستان سعودی و جمهوری اسلامی ایران به دلیل مجاورت جغرافیایی و پیوند گسترده تر منافع آن‌ها با تحولات بحرین رویکرد مشخص و فعالانه‌تری را در این راستا اتخاذ نموده‌اند و برخی بازیگران دیگر مانند ترکیه و عراق به رغم رفتار بر اساس منافع و دیدگاه‌های خاص خود، سعی کرده‌اند رویکرد متوازن‌تری را در این خصوص اتخاذ نمایند.

تحولات بحرین حداقل به همان میزان که تحت تأثیر رویکردها و رفتارهای بازیگران داخلی یعنی رژیم آل‌خلیفه و گروه‌های مخالف شکل می‌گیرد، از بازیگران خارجی و به خصوص منطقه ای نیز تأثیر پذیر است. اما رویکردهای متعارض بازیگران منطقه ای در قبال بحران بحرین که خود از منافع و دیدگاه‌های متعارض بازیگران ناشی می‌شود، باعث شده

است که پیچیدگی‌های بحرین افزایش یابد و حل و فصل آن با بن بست روبرو شود. در میان بازیگران منطقه ای شورای همکاری خلیج فارس با محوریت عربستان سعودی به عنوان فعال‌ترین و تأثیرگذارترین بازیگر خارجی در بحرین بوده است که رویکردی تهاجمی اتخاذ نموده است. شورای همکاری با اعزام نیروی نظامی به بحرین به صورت قاطعانه از حکومت آل خلیفه در برابر مخالفین حمایت نموده است و به رویکرد سرکوبگرانه در قبال معترضین کمک کرده است. در مقابل جمهوری اسلامی ایران از گروه‌های مخالف در برابر رویکرد سرکوبگرانه حکومت و ورود نیروهای نظامی سعودی و اماراتی حمایت می‌کند و با اقدامات مختلف به مداخله خارجی در بحرین به شدت اعتراض نموده است. این دو رویکرد متعارض باعث تنش‌های جدی در روابط کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس و به خصوص عربستان سعودی با جمهوری اسلامی ایران شده است.

ترکیه و عراق به عنوان دو بازیگر منطقه ای مهم دیگر به دلیل پیوند ژئوپلیتیک و منفعتی کمتر با بحرین و ملاحظات خاص خود، رویکردی متوازن‌تر و غیرفعالانه‌تر در خصوص این بحران اتخاذ کرده‌اند. ترکیه سعی می‌کند تا ضمن تأکید بر رویکردهای مسالمت‌آمیز دوسویه به دلیل تحولات بحرین رابطه خود با ایران را با تنش همراه نکند و به خصوص در تلاش است تا با حمایت ضمنی از حفظ رژیم آل خلیفه منافع استراتژیک و اقتصادی خود در کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس را حفظ نماید. عراق نیز هرچند در سطح افکار عمومی و سیاستمداران شیعی به ویژه در پارلمان واکنش‌های جدی برای حمایت از مردم بحرین داشته است، اما حکومت این کشور به دلیل ملاحظات و محدودیت‌های خاص خود مانند بی‌ثباتی داخلی، واکنش‌ها و حساسیت‌های جهان عرب و فشارهای احتمالی آمریکا نتوانسته است رویکرد قاطعانه ای در حمایت از مخالفین بحرینی اتخاذ نماید.

منابع و مأخذ:

۱. منابع فارسی

۱. لی نورجی، مارتین ، (۱۳۸۳)، چهره جدید امنیت در خاورمیانه، ترجمه قدیر نصری، پژوهشکده مطالعات راهبردی.

۲. عبدالحسین سلطان سردبیر روزنامه کویتی‌الدار، (۱۳۹۰/۲/۲۶) ، سخنرانی در نشست تحولات و خیزش‌های جهان عرب، مرکز تحقیقات استراتژیک.

۳. بی اف نیوز، (۱۹ اردیبهشت ۱۳۹۰)، خودکامگی سعودی‌ها ولیعهد بحرین را هم قربانی کرد، در
<http://www.bfnews.ir/vdcfetdj.w6d0cagiiw.txt>
۴. بی بی سی، هزاران معترض بحرینی میدان لولو را تصرف کردند، در
www.bbc.co.uk/1/110219-an-bahrain-shialeder.shtml
۵. خبرآنلاین، (۶ خرداد ۱۳۹۰)، ترکیه در کنار شورای همکاری خلیج فارس است، در:
<http://www.khabaronline.ir/news-153698.aspx>
۶. دیپلماسی ایرانی (الف)، (۴ اردیبهشت ۱۳۹۰). روابط ریاض - واشنگتن شکراب است، در:
www.irdiplomacy.ir
۷. دیپلماسی ایرانی (ب)، (۴ خرداد ۱۳۹۰). عراق در مثلث ایران-بحرین-عربستان، در:
<http://www.irdiplomacy.ir/fa/news/58/bodyView/13108.html>
۸. شیعه آنلاین، (۱۵ خرداد ۱۳۹۰). نتیجه سفر "مقتدی صدر" به بحرین چه بود؟، در:
<http://www.shia-online.ir/article.asp?id=18576&cat=1>

۲. منابع انگلیسی

1. Okrunlik, Gwenn, (Autumn 2005), The Irony of Islah (Reform), Washington Quarterly.
2. Today Zaman(a), (2011-03-18), Turkey steps up diplomacy to contain Bahrain crisis.
3. Today Zaman(b), (2011-03-24), Turkey says Gulf troops in Bahrain must be temporary.
4. Barkey, Henri J, (April 26, 2011), Turkey and the Arab Spring, CARNEGIE ENDOWMENT FOR INTERNATIONAL PEACE
5. Al Hakeem, Mariam, (September 3, 2008), GCC names Turkey first strategic partner outside the Gulf, in: <http://gulfnews.com/news/gulf/uae/general/gcc-names-turkey-first-strategic-partner-outside-the-gulf-1.129631>
6. Politact, (16 March 2011), Turkey Says It Supports GCC Intervention in Bahrain, in: <http://politact.com/issue-brief/turkey-says-it-supports-gcc-intervention-in-bahrain.html>

Bahrain Crisis: The Conflict of Regional Approaches

Ali Akbar Asadi

Phd Student of International Relations of
Allameh Tabatabai University

Mohammad zari

MA In Intrnational Relations of
Allame tabatabayi university

The regional significance of the Bahrain crisis is due not only to the limitation in the power of the internal actors but also to the special interest of external actors. Regional actors in terms of their differences in terms of national objectives and interests and because of their special considerations have approached the Bahrain crisis with diverse and even opposing approaches. The Gulf Cooperation Council which has Saudi Arabia in its core of decision making along with the Islamic Republic of Iran are the two main regional players whose policy position vis-à-vis Bahrain crisis is in sheer contrast. Other regional actors such as Turkey and Iraq because of insignificance of their geopolitical consideration vis-à-vis Bahrain, try to adopt a more balanced approach.

Keywords: Bahrain, the Gulf Cooperation Council, Iraq, Iran, Turkey.